

● نقد و معرفی کتاب

توهم زدایی بزرگ:

جهانی شدن و مخالفت با آن

Joseph E. Stiglitz, *La grande desillusion*, Ed. Fayard, 2002, 324 p.

می‌دهد که قوانین بازی اقتصاد جهانی تنها به نفع کشورهای صنعتی و توسعه یافته است و نه به نفع کشورهای در حال توسعه، زیرا در حقیقت جهانی شدن نه تنها اقتصاد را در صدر امور قرار می‌دهد بلکه با نگاهی متعصب به اقتصاد و بازار می‌نگرد. از اینرو امروز جهانی شدن برای فقرا، برای حفظ محیط زیست و برای حفظ ثبات اقتصاد جهانی نیست.

اما علاوه بر این معایب، نویسنده به محاسن جهانی شدن نیز اشاره دارد. وی می‌گوید: به کمک جهانی شدن، کشورهای

اصل این کتاب به زبان انگلیسی در آمریکا توسط ژوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصادی نوشته شده است. وی مشاور سابق بیل کلینتون و معاون رئیس بانک جهانی بوده است. این کتاب در فرانسه توسط پل شمالا^۱ از انگلیسی به فرانسه ترجمه شده و در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است.

نویسنده در ابتدای کتاب خود جهانی شدن را چنین تعریف می‌کند: رفع موانع در راه تجارت آزاد و هم‌گرایی اقتصادهای ملی به کمک یک سری مؤسساتی که در جهت رشد اقتصادی تلاش می‌کنند. وی در این کتاب نشان

1. Paul Chemla

آسیای شرقی می‌توانند موفقیت خود را به ویژه در زمینه تبادل تجاری و دسترسی بهتر به بازارها و فن‌آوری پایه‌ریزی کنند.

به کمک جهانی شدن می‌توان پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه سلامت زیستن داشت که این امر به پیدایش جامعه مدنی پویا همراه با وجود دموکراسی و عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

نویسنده معتقد است مسأله "جهانی شدن" نیست بلکه مسأله نحوه اجرا و هدایت آن است به ویژه به کمک مؤسسات اقتصادی بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی که قوانین این بازی را تعیین می‌کنند؛ هرچند که این مراکز بیشتر به نفع کشورهای صنعتی توسعه یافته قدم برمی‌دارند. به علاوه نویسنده معتقد است که می‌توان جهانی شدن را به شیوه‌ای اجرا کرد که پتانسیل‌های سودمند آن، محسوس‌تر شود و جهت حرکت مؤسسات اقتصادی بین‌المللی نیز در این راستا قرار گیرد. برای تغییر جهت مسیر مؤسسات باید ابتدا کاملاً از ناکامی‌های آنها مطلع شد. وی می‌گوید زمانی که من معاون بانک جهانی بودم و توانستیم شیوه کار را تغییر دهیم به تغییر شیوه کار سایر مؤسسات اقتصادی

امیدوار شدم.

در ضمن وی اضافه می‌کند که چالش اساسی فقط شیوه کار مؤسسات اقتصادی نیست، بلکه شیوه فکر کردن نیز مهم است. این که ما به حفظ محیط زیست بیندیشیم به این که به فقرا امکان صحبت کردن و اعلام نیازشان را بدهیم و سطح دموکراسی و تجارت عادلانه را ارتقا بخشیم، همه از مواردی است که پتانسیل‌های سودمند روند جهانی شدن را محسوس‌تر می‌نماید.

و اما آنچه باید انجام دهیم:

۱. شناخت خطرات آزادی بازار سرمایه‌ها؛
۲. اصلاح مواردی که بارکود مواجه شده و به جریان درآوردن آنها؛
۳. بیشتر درصدد پیشگیری از بروز ناکامی باشیم و نه به فکر یافتن شیوه‌هایی پس از بروز ناکامی؛
۴. نظام بانکی را بهبود بخشیم؛
۵. نظام مدیریت را بهبود بخشیم؛
۶. نظام امنیتی را بهبود بخشیم؛
۷. عکس‌العمل در برابر بحران‌ها را بهبود بخشیم.

در صورتی که اصلاحات در مؤسسات اقتصادی بین‌المللی صورت گیرد، جهانی شدن

مواجهه شده، دموکراسی برای آنان رشدی ندارد و فرهنگشان فرسایش می‌یابد.

در حال حاضر میلیون‌ها نفر منتظر آتند که ببینند آیا امکان ایجاد اصلاح در روند جهانی شدن برای دست‌یابی آنان به شرایط بهتر وجود دارد؟

خوشبختانه باید گفت شناخت و ارادهٔ سیاسی در این مورد رو به افزایش است و استراتژی اصلاحات باید در چند شاخه پیش رود. اول تغییر در دستورالعمل‌های اقتصاد بین‌الملل که این روش وقت‌گیر است و دوم تشویق هر کشور به انجام و ایجاد اصلاح در خود. در این میان کشورهای توسعه یافته مسئولیت بیشتری دارند و نیاز به سیاست رشد پایدار و عدالت دموکراتیک بیش از پیش احساس می‌شود چرا که توسعه تنها کمک کردن به غنی شدن افراد و حمایت از نخبگان یک کشور نیست بلکه توسعه یعنی تغییر جامعه، بهتر کردن زندگی فقرا، بالا بردن شانس موفقیت برای هر یک از افراد، و دسترسی بهتر به خدمات بهداشتی و آموزشی است.

این کتاب شامل ۹ فصل است که عناوین آن به شرح زیر می‌باشد:

۱. نوید مؤسسات بین‌المللی؛

مؤثرتر گشته و سبب ارتقای سطح زندگی به ویژه برای فقرا می‌شود.

همانطور که ذکر شد اصلاح تنها شامل ایجاد تغییر در مؤسسات اقتصادی نیست بلکه، شیوهٔ فکر کردن نیز باید تغییر کند.

نویسنده معتقد است یکی از معایب جهانی شدن کاهش ارزش‌های سنتی است، زیرا رشد اقتصادی سبب افزایش شهرنشینی و از بین بردن زندگی روستایی سنتی می‌شود. به علاوه جهانی شدن تهدیدی در احراز هویت و ارزش‌های فرهنگی به وجود می‌آورد. از طرف دیگر وی می‌گوید به قدری همگرایی جهانی اهمیت دارد که بهتر آن است که آداب سنتی بتوانند تطبیق پذیر بوده و به چالش‌های جدید پاسخ دهند.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که جهانی شدن سازندهٔ دموکراسی است و می‌تواند با ابراز عقاید دموکراتیک در جامعهٔ مدنی، شیوهٔ تفکر را تغییر دهد.

جهانی شدن از سویی سبب ارتقای سطح زندگی صدها میلیون نفر می‌شود به ویژه زندگی اقتصاددانان و از سویی برای میلیون‌ها نفر دیگر ثمره‌ای جز از دست دادن شغل و بی‌حمایتی نخواهد داشت. این افراد با ناتوانی

۲. وعده‌های بی‌سرانجام؛
۳. آزادی انتخاب؟؛
۴. بحران آسیایی؛
۵. چه کسی روسیه را به تباهی کشید؟
۶. "قوانین نادرست در تجارت درست" و
سایر زبان‌ها؛
۷. راه‌های بهتر به سوی بازار؛
۸. برنامه دیگر صندوق بین‌المللی پول؛
۹. آینده.
- معصومه سیف‌افجه‌ای
مرکز مطالعات اروپا و آمریکا

